



The Role of Unity and Cohesion of Muslims in Paving the Way for Reappearance of Imam Mahdi with an Emphasis on the School of Shahid Soleimani

Fatemeh Zahra Sattar¹

Hossein Elahinejad²

Received: 27/01/2022

Accepted: 14/02/2022

Abstract

Reappearance of Imam Mahdi is one of the most important and widely used components in the culture of Mahdism. In order to organize the reappearance, various issues such as the conditions of reappearance, the occurrence of reappearance, the signs of reappearance and providing the context for reappearance are raised. In the meanwhile, the issue of providing the context for reappearance is recognized as the most important and practical issue and is justified in the form of the duties and mission of the waiters. The realization of providing the context for reappearance depends on the readiness of the people, and the realization of the readiness of the people depends on their readiness in the three areas of "thought and knowledge", "tendency and motivation" and "action and behavior". This paper only deals with the readiness of people in the area of action and behavior. Realization of readiness with an action and behavioral approach depends on the formation of components such as the spirit of reform and reformism, unity and convergence, hope and

1. Master of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law, University of Quran and Hadith, Qom, Iran (Corresponding Author). sattar.fz717@gmail.com.

2. Full Professor of the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.elahinejad@isca.ac.ir.

* Sattar, F. Z., & Elahinejad, H. (1400 AP). The Role of Unity and Cohesion of Muslims in Paving the Way for Reappearance of Imam Mahdi with an Emphasis on the School of Shahid Soleimani. *Journal of Mahdavi Society*, 2(4), pp. 60-85. DOI:10.22081/JM.2022.63159.1049

hopefulness, acceptance and love of Wilayat, appreciation and belief in the Imam, etc. among the waiters and the waiting community. In this study, by asking question about the role of Shahid Soleimani's school in the unity and cohesion of the people in order to provide the context for reappearance, information has been collected in a descriptive and analytical method as well as in the library and documentary method. The findings of this study is proving the place and important role of Commander Soleimani (during his life and martyrdom and his school) in uniting the people in the path of fighting arrogance with the approach of perseverance and resistance in order to achieve the reappearance and the right government.

Keywords

Providing the context for the reappearance, unity, cohesion, Shahid Soleimani's School.



نقش انسجام و اتحاد مسلمانان در زمینه‌سازی

ظهور با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی

حسین الهی‌نژاد^۱

فاطمه زهرا ستار^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

چکیده

ظهور از جمله مؤلفه‌های مهم و پر کاربرد در فرهنگ مهدویت است. برای سامان‌دهی ظهور، مسائل مختلفی مانند شرایط ظهور، رخداد ظهور، نشانه‌های ظهور و زمینه‌سازی ظهور مطرح می‌شود. در این میان بحث زمینه‌سازی ظهور به عنوان مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مسائل شناخته شده و در قالب وظایف و رسالت منتظران توجیه می‌شود. تحقق زمینه‌سازی ظهور، متفرع بر آمادگی مردم و تحقق آمادگی مردم متفرع بر آمادگی آنها در سه حوزه «اندیشه و معرفت»، «گرایش و انگیزه» و «کنش و رفتار» می‌باشد که در این نوشتار تنها به آمادگی مردم در حوزه کنش و رفتار پرداخته می‌شود. تحقق آمادگی با رویکرد کنشی و رفتاری وابسته به شکل‌گیری مؤلفه‌هایی همچون روحیه اصلاح و اصلاح‌گری، اتحاد و همگرایی، امید و امیدواری، ولایت‌پذیری و ولایت‌دوستی، قدرشناسی و اعتقادورزی به امام و... در میان منتظران و جامعه منتظر است. در این پژوهش با طرح پرسش از نقش مکتب شهید سلیمانی در وحدت و انسجام‌بخشی مردم در راستای زمینه‌سازی ظهور و با روش توصیفی و تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌ایم. دستاورد این تحقیق، اثبات جایگاه و نقش مهم سردار سلیمانی (در زمان حیات و زمان شهادت و مکتب او) در وحدت‌بخشی به مردم در مسیر مبارزه با استکبار با رویکرد استقامت‌ورزی و مقاومت برای رسیدن به ظهور و دولت حق می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

زمینه‌سازی ظهور، اتحاد، انسجام، مکتب شهید سلیمانی.

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول). sattar.fz717@gmail.com

۲. استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. h.elahinejad@isca.ac.ir

* ستار، فاطمه‌زهرا؛ الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۰). نقش انسجام و اتحاد مسلمانان در زمینه‌سازی ظهور با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی. دوفصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، ۲(۴)، صص ۶۰-۸۵

مقدمه

انسجام و اتحاد در ساماندهی جامعه نقش اساسی دارد. امنیت، آسایش، رفاه، پویایی، بالندگی و پیشرفت مرهون اتحاد و انسجام می‌باشد. واژه انسجام و اتحاد به صورت مطلق، یعنی همگرایی و همنوایی در امور اجتماعی برای رسیدن به اهداف و غایت مشترک؛ ولی اگر به قید خاصی با رویکردهای فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، دینی و... مقید شود، جهت همگرایی و اتحاد حول آن رویکرد تعریف و توجیه می‌شود؛ برای مثال وصف اسلامی، اسلامیت و وصف ایرانی، ایرانیت را محور اتحاد قرار می‌دهد. در اینجا سه مقوله ظهور و زمینه‌سازی ظهور و مکتب شهید سلیمانی مقولات محوری بحث می‌باشند که مکتب شهید سلیمانی به عنوان علت فاعلی برای اتحاد و همگرایی و ظهور و زمینه‌سازی ظهور به عنوان علت غایی اتحاد و همگرایی شناخته می‌شوند؛ پس اتحاد و همگرایی افزون بر علت فاعلی که نقش علت ایجاد را ایفا می‌کند، نیازمند علت غایی است تا انگیزه حرکت به سوی تحقق اتحاد و همگرایی نیز تأمین شود. اتحاد و همگرایی در مکتب شهید سلیمانی نیز دارای عواملی نظیر صمیمیت، مهرورزی، عدالت، ظلم‌ستیزی، نگرش فراملی و فرامذهبی شهید سلیمانی، همسانی در هدف (استکبارستیزی) و همسانی در راهکار (مقاومت‌ورزی) است که با تحقق و اجرای آنها زمینه تحقق اتحاد و همگرایی با محوریت مکتب شهید سلیمانی فراهم می‌شود؛ مثلاً شهید سلیمانی با صمیمیت، مهرورزی به مردم و رزمندگان اسلام و نیز با روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، در میان آنها زمینه همدلی و همگرایی را فراهم می‌کند و با نگرش فراملی و فرامذهبی و با تعیین هدفی واحد به نام استکبارستیزی و کاربست راهکار واحدی به نام مقاومت و استقامت‌ورزی، به نوعی میان مردم و رزمندگان الفت و برادری ایجاد می‌کند تا اتحاد و همگرایی در جامعه تقویت و نهادینه شود. در این نوشتار با به کارگیری روش توصیفی و تحلیلی اولاً عوامل اتحاد و همگرایی در مکتب شهید سلیمانی را بیان خواهیم کرد؛ ثانیاً به تبیین اتحاد و همگرایی با محوریت مکتب شهید سلیمانی می‌پردازیم؛ و ثالثاً رابطه اتحاد و همگرایی با زمینه‌سازی ظهور را بررسی خواهیم کرد.

۱. مفهوم‌شناسی واژگان

برای درک بهتر از مبانی و نتایج این پژوهش در آغاز به تعریف و تبیین برخی از مفاهیم اصلی آن می‌پردازیم:

۱-۱. انسجام و اتحاد

انسجام بر وزن «انفعال» از ماده «سَجِم» به معنای هماهنگی و سازگاری (سیاح، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۷۶) می‌باشد و انسجام اجتماعی یک مفهوم اجتماعی است که خواهان سامان‌دهی مشابهت‌ها و تمایزها در جامعه است (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۱۴). پیشفرض انسجام اجتماعی این است که انسان‌ها خواسته‌ها و نیازهای مختلفی دارند. در عین اینکه به ذائقه و نیاز آنها توجه می‌شود، به تفاوتش با دیگران نیز التفات می‌شود؛ اما انسجام اسلامی که مرداف با اتحاد اسلامی است، مترادف‌های بسیاری مانند ائتلاف، هم‌گرایی، همبستگی، همسویی، همدلی و... دارد. در قرآن کریم واژه اتحاد و انسجام نیامده است؛ بلکه واژگانی همچون «واحدة» (مؤمنون، ۵۲)، «جمیعاً» (آل عمران، ۱۰۳)، «کافة» (بقره، ۲۰۸)، «لا تنازعوا» (انفال، ۴۶)، «لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۵) آمده است که معنای آن دو را دارد.

واژه اتحاد و انسجام از دید اجتماعی به معنای همسویی عقاید، آرا و کارهاست و در عرف سیاسی به معنای همکاری یا همراهی چند حزب و گروه سیاسی برای رسیدن به هدف واحدی است (طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۸۵). واژه «انسجام و اتحاد» بدون قید یا بدون مضاف الیه، معنای دقیقی ندارد و با بیان «قید» انسجام و اتحاد از اطلاق رها شده، معنای خاصی می‌پذیرند؛ برای مثال واژه انسجام و اتحاد اسلامی که قید اسلامیت را به همراه دارد، شامل حال کسانی می‌شود که اسلام را به عنوان آیین خود برگزیده‌اند که در این صورت، اسلام‌باوران با اتحاد و انسجام حول اسلام و آموزه‌های اسلامی به سوی همگرایی و همبستگی گام بر می‌دارند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل عمران، ۱۰۳). برخی مفسران منظور از «حبل

الله را همان اسلام و آموزه‌های اسلامی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۸). در این نوشتار دو مفهوم اتحاد و انسجام را در بسترهایی همچون انتظار و مکتب شهید سلیمانی و برای رسیدن به هدفی چون زمینه‌سازی ظهور و درنهایت برای رسیدن به اصل ظهور، بر اساس جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بر اساس پردازش داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی بررسی می‌کنیم.

۲-۱. ماهیت‌شناختی ظهور

ظهور، باوری فراگیر و گسترده با دو نگرش فرادینی و فرامذهبی شناخته می‌شود. در نگرش فرادینی به گستردگی این باور در میان پیروان همه ادیان ابراهیمی نظر داده می‌شود؛ ولی در نگرش فرامذهبی تنها به گستردگی ظهور در میان مذاهب و گروه‌های اسلامی توجه می‌شود. البته ظهور با این همه گستردگی و با این همه اقبال که به نوعی تداعی گر اعتقادورزی همه پیروان ادیان و مذاهب آسمانی است، تفاوت‌هایی با رویکرد ماهیت‌شناختی و کارکرد شناختی دارد که بر اساس باورها و نوع نگرش منجی‌گرایی شکل گرفته است؛ مثلاً پیروان مسیحیت ظهور را به معنای آمدن و آشکارشدن دوباره می‌گیرند و آمدن دوباره حضرت عیسی علیه السلام را در این راستا توجیه می‌کنند. پیروان یهود بر اساس باورداشت آیینی یهود، ظهور را در معنای اصطلاحی تعریف نمی‌کنند؛ بلکه به معنای آمدن منجی‌ای می‌دانند که نه پیش‌تر سابقه آمدن داشته است و نه بعد از آمدن با خفا و یا با قتل غایب می‌شود و هدف از آمدن او را تنها برای نجات قوم یهود تعبیر می‌نمایند (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۱۵). همین تفاوت و دوگانگی در میان گروه‌ها و مذاهب اسلامی نیز دیده می‌شود. شیعیان ظهور را در معنای اصطلاحی خویش، یعنی آشکارشدن بعد از خفا می‌دانند و بر اساس همین تولد، استمرار حیات و غیبت امام زمان علیه السلام را توجیه می‌نمایند؛ ولی پیروان اهل سنت از آنجایی که تولد و حیات و به تبع غیبت را قبول ندارند، ظهور را نیز در معنای اصطلاحی‌اش تعریف نمی‌کنند؛ بلکه ظهور را به معنای آمدن امام مهدی علیه السلام برای نجات مسلمانان و مبارزه با دجال و افراد شرور تعبیر می‌نمایند.

۱-۳. مکتب شهید سلیمانی

مکتب عبارت است از یک طرح جامع و منسجم که می‌خواهد با جهان‌بینی‌ای که ارائه می‌دهد و با دستور عمل‌هایی که دارد، بشر را به سوی کمال و هدفش راهنمایی کند.

استاد شهید مرتضی مطهری در تعریف مکتب می‌نویسد: «مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک ثنوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸). در این تعریف شهید مطهری مکتب را به معنای ایدئولوژی گرفته است که به نظر می‌آید خیلی به واقع نزدیک نباشد؛ زیرا ایدئولوژی در برابر جهان‌بینی قرار دارد و جزئی از تعریف کلی مکتب می‌باشد؛ زیرا مکتب به معنای مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی است که مبانی و اهداف مشخصی دارد که یک نظام ارزشی برای چگونه زیستن را برای انسان معین می‌کند. مکتب به معنای افکار و آرای منسجم و نظام‌مند است که اهداف مشخصی دارد که مسیر رسیدن به سوی کمال را برای انسان فراهم می‌کند (ضیایی‌فر، ۱۳۸۶، ص ۱۶۵).

مکتب با دو رویکرد هستی‌شناسی و جامعه‌شناسی تعریف می‌شود. مکتب در اصطلاح هستی‌شناسی که دارای جهان‌بینی و ایدئولوژی است، همان طرح کلی و جامعی است که با برنامه و اهداف مشخص انسان را به سوی تعالی و تکامل هدایت می‌کند؛ مانند مکتب اسلام، مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، مکتب عاشورا، مکتب امام خمینی و...؛ اما مکتب در دانش جامعه‌شناسی به معنای مکتب اصطلاحی در حوزه هستی‌شناسی نیست؛ بلکه به معنای سبک زندگی و نوع خاصی از زیستن و روش خاصی در رسیدن به اهداف زندگی است که مورد توجه و الگوگیری مردم قرار می‌گیرد. مکتب شهید سلیمانی دارای خاستگاهی به نام مکتب امامین انقلاب اسلامی و دارای کارکردی به نام اتحاد و همگرایی و دارای غایت و هدفی به نام زمینه‌سازی ظهور است؛ به بیان دیگر

مکتب شهید سلیمانی با نیروی محرکه مکتب امامین انقلاب و با پیشرانی اتحاد و مقاومت و با غایت‌گری زمینه‌سازی ظهور، به سوی دولت حق و جامعه مطلوب مهدوی پیش می‌رود؛ به بیان دیگر مکتب شهید سلیمانی در پارادایم مضمونی و تحلیل محتوایی و ساختاری خود، متشکل از سه عنصر اساسی خاستگاه، فرایند و برآیند می‌باشد که نقش خاستگاه، بسترسازی، نقش فرایند، ابزارسازی و نقش برآیند، هدف‌سازی را برای این مکتب ایفا می‌کند.

مقام معظم رهبری در مورد ارزش حرکت شهید سلیمانی می‌فرماید: «اینکه ما بیاییم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت‌گذاری کنیم، قدر آنها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است، در صورتی تحقیق پیدا می‌کند که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد» (خامنه‌ای، ۹۸/۱۰/۲۷).

گفتنی است مکتب در اینجا با رویکرد هستی‌شناختی که اصطلاح خاصی است و در بردارنده مؤلفه‌هایی مانند عقیده، جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص همراه با سبک و روش خاص باشد نیست؛ بلکه با رویکرد جامعه‌شناسی مقصود است که به معنای سبک و روش خاص شهید سلیمانی در مبارزه با دشمنان اسلام و مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی و کمک به مستضعفان و مظلومان جهان به شیوه مقاومت و تاب‌آوری می‌باشد.

۲. نقش مردم در زمینه‌سازی ظهور

ظهور به عنوان حادثه مهم که در فرجام تاریخ بشریت به وقوع می‌پیوندد، عوامل، غایت‌ها و بسترهایی دارد؛ به بیان دیگر پدیده ظهور در تحققش به سه عامل فاعلی، غایی و اعدادی وابسته است. عوامل فاعلی نقش ایجاد، عوامل غایی نقش پیشران و عوامل اعدادی نقش تمهیدی را در رخداد ظهور ایفا می‌کنند؛ یعنی خداوند علت فاعلی

ظهور و مردم علت اعدادی ظهور و «تحقق عبودیت» هدف و علت غایی ظهور می‌باشد. در این نوشتار با توجه به عنوان بحث تنها به تبیین و تحلیل علت اعدادی ظهور پرداخته می‌شود که بیانگر نقش مردم در زمینه‌سازی ظهور است.

ظهور بسان هر حادثه‌ی زمینی دیگر که در تاریخ بشری و مرتبط با عملکرد و کارکرد بشر تحقق می‌یابد، به مقدمات و بسترهای تمهیدی نیاز دارد. فراهم‌آوری مقدمات و بسترهای تمهیدی که از آن به زمینه‌سازی ظهور تعبیر می‌شود، در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی خودنمایی می‌کند. در بیان تحلیل کیفیت زمینه‌سازی و ارتباط آن با ظهور دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است:

۱. برخی از افراد به بی‌ارتباطی میان زمینه‌سازی با رخداد ظهور نظر داده‌اند و ظهور و زمینه‌سازی را دو مقوله جدا از هم می‌پندارند که یکی امر زمینی و مربوط به فعل بشر و دیگری امر آسمانی و مربوط به فعل خداست که در واقع از این نوع تفکر برایندی چون بی‌خاصیتی مردم و بی‌نقشی آنها در زمینه‌سازی ظهور به دست نمی‌آید (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۳۷).

۲. برخی افراد ظهور را به عنوان یک حادثه‌ی زمینی بسان دیگر حادثه‌های بشری تلقی کرده، نقش مردم را در آن پررنگ و تأثیرگذار دانسته‌اند؛ اما رابطه فعل و نتیجه‌ی فعل را در این مورد قبول ندارند؛ یعنی اعتقاد ندارند که میان زمینه‌سازی و رخداد ظهور رابطه‌ی لزومی برقرار بوده باشد و تحقق زمینه‌سازی موجب تقرب‌سازی ظهور و رخداد زود هنگام آن گردد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۳۸).

۳. برخی افراد ظهور را امری طبیعی و زمینی به شمار آورده و نقش مردم را به عنوان زمینه‌سازان ظهور مهم تلقی می‌نمایند؛ ولی زمینه‌سازی را با ابزار نامقدسی به نام اشاعه گناه، نافرمانی، تعدی و نابرابری، دست‌یافتنی می‌دانند که این کارها زمینه‌ساز فشار بر مردم و به‌ستوه آمدن آنان می‌شود و نهایت این فشار و به‌ستوه آمدن فراگیری ستمگری را در جامعه موجب می‌شود و فراگیری ظلم در جامعه نیز زمینه‌سازی رخداد ظهور را به همراه دارد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۳۹).

۴. آخرین نگرش در این زمینه که به نظر می‌آید جامع‌ترین و کامل‌ترین

نگرش‌هاست و نظریهٔ مختار نیز بر همین استوار است، دارای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ذیل می‌باشد؛ مطابق این دیدگاه، اولاً ظهور امری زمینی و طبیعی تلقی می‌شود؛ ثانیاً بشر شایستگی و توان‌مندی زمینه‌سازی برای ظهور را دارد؛ ثالثاً بر اساس احادیث معصومین علیهم‌السلام و دستور قرآنی «فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره، ۱۴۸)، بشر به زمینه‌سازی ظهور تکلیف شده است؛ رابعاً میان زمینه‌سازی ظهور و رخداد ظهور رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ خامساً رابطه میان آن دو رابطه فعل و نتیجه فعل است؛ سادساً رابطه میان زمینه‌سازی و ظهور رابطه تلازمی (وجودی و عدمی) است؛ یعنی هرگاه زمینه‌سازی ظهور تحقق پیدا کرد، ظهور نیز به اذن خدا تحقق پیدا خواهد کرد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۴۲).

بی‌شک از آنجایی که مردم با بی‌مهری و بی‌توجهی به حضرات معصومین علیهم‌السلام و با بی‌اعتنایی و بی‌معرفتی به جایگاه و مقام امامت، زمینه غیبت و پنهان‌زیستی امام زمان علیه‌السلام را فراهم کرده‌اند و زمینه‌ساز محرومیت جامعه از فیض وجود او و بروز معضلات و مشکلات اعتقادی، فرهنگی و دینی شده‌اند، باید خود دست به کار شوند و با کوشش فردی و اجتماعی و با اعمال و رفتارهای اسلامی و با انجام‌دادن کارهای فرهنگی و دینی، عوامل و زمینه‌های غیبت را بر طرف سازند تا غیبت امام زمان علیه‌السلام به ظهور و حضور تبدیل شود.

بر اساس نمودار ذیل برای رسیدن به ظهور دو راه وجود دارد: راه ایجابی و راه سلبی. در راه ایجابی باید به زمینه‌سازی ظهور دست زد و با اعمال صالح و رفتارهای درست و باورهای صحیح، این امر را تحقق بخشید و در راه سلبی باید با رفع زمینه‌های غیبت همچون اعمال ناصالح و رفتارهای نابهنجار و باورهای نادرست به سوی رخداد ظهور حرکت کرد. توضیح اینکه مثلاً با دقت در فرایند حرکت اصلی جریان آب در می‌یابیم که حرکت آب به طرف سرازیری، حرکت طبیعی و اصلی آب است و خلاف آن، یعنی راکت ماندن یا به طرف بالا حرکت کردن آب، روال غیرطبیعی و غیراصلی آب است. اگر در حرکت سرازیری جریان آب موانعی ایجاد شده باشد، آب به صورت راکت در یکجا تراکم پیدا می‌کند؛ در این صورت لازم نیست برای حرکت آب عوامل جدیدی به کار گرفته شود؛ بلکه باید به رفع موانع دست زد و موانع

حرکت آب را برطرف کرد که برطرف شدن موانع همان و جریان یافتن آب همان
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۲).



۳. اقتضای ظهور و مانعیت غیبت

به منظور تبیین رویکرد ايجابية و سلبی در مسئله رخداد ظهور، در ادامه به بحث «وجود مقتضی و عدم مانع» (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۱۶ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۳۵۱) و بحث «اصلی بودن ظهور و غیراصلی بودن غیبت» خواهیم پرداخت.

در بحث اصلی بودن ظهور و فرعی بودن غیبت بحث وجود مقتضی و عدم مانع پیش می‌آید؛ یعنی همیشه در فرایند شکل‌گیری مقولات اصلی، وجود مقتضی امری مسجّل و ضروری می‌باشد؛ مثل حرکت جریان آب که همیشه اقتضای حرکت به سوی سرازیری در آن وجود دارد و این مقتضی، یعنی به سوی پایین بودن

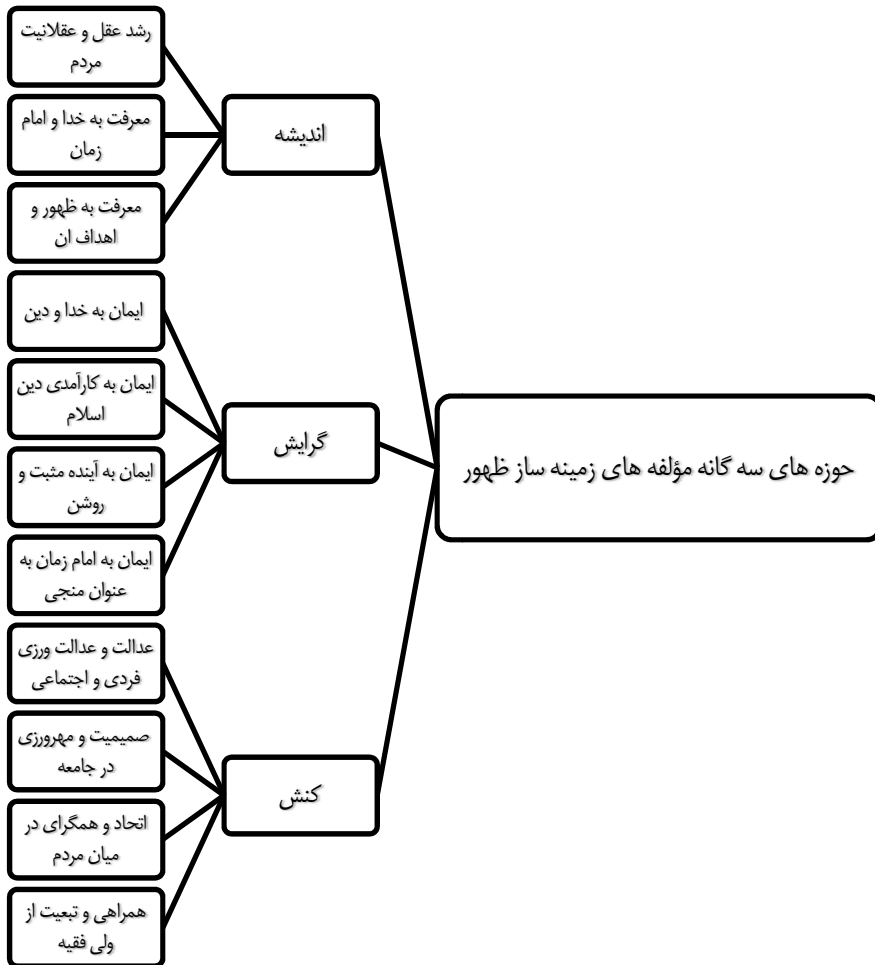
جریان آب، اگر با موانعی برخورد نکند دائمی است و با وجود مقتضی به علل و عوامل جدیدی نیاز نیست؛ بلکه همان عوامل و علل قبلی کارایی داشته و تنها با رفع مانع کارآمدی آن به‌روز رسانی می‌شود. در بحث ظهور نیز همین روال اجرا می‌شود؛ زیرا اصل در قضیه امامت، ظهور همیشگی امام در جامعه است و این روال همیشه با اقتضانات دائمی ادامه می‌یابد؛ مگر اینکه موانعی پیدا شود و جلوی جریان اصلی و دائمی آن گرفته شود که در این صورت، برای جریان‌افتادن دوباره ظهور به علل و عوامل جدید و نیز به بسترسازی‌ها و تمهیدات نو نیازی نیست؛ بلکه همین که مانع بر طرف شود، به‌طور قهری، عوامل و علل گذشته و اولیه فعال می‌شود و به جریان‌سازی ظهور می‌پردازند.

چنان که بیان شد بحث زمینه‌سازی ظهور با دو رویکرد ایجابی (ایجاد عوامل ظهور) و سلبی (رفع موانع و تأیید عوامل ظهور) قابل پی‌گیری است؛ در رویکرد ایجابی محور انجام‌دادن کارها و فعالیت‌ها جهت زمینه‌سازی ظهور با عوامل و بسترهای جدید می‌باشد. در رویکرد سلبی مقصود تنها زدودن موانع و نفی عوامل سلبی مانند غیبت و تأیید و جریان‌سازی عوامل ظهور است؛ پس رخداد ظهور در رویکرد ایجابی با عوامل و بسترهای جدید رقم می‌خورد؛ ولی در رویکرد سلبی با رفع موانع ظهور و امضای عوامل موجود رقم می‌خورد. بی‌شک اینکه گفته می‌شود در رویکرد سلبی تنها به رفع موانع ظهور پرداخته می‌شود، این‌طور نیست که ظهور بدون عوامل زمینه‌ساز به وقوع بپیوندد؛ بلکه صحبت بر این است که در رویکرد ایجابی در پی ایجاد عوامل ظهور حرکت می‌کنیم؛ ولی در رویکرد سلبی به دنبال رفع موانع خواهیم بود که با رفع موانع عوامل ظهور که از گذشته بوده است، به‌طور قهری اجرایی می‌شود؛ به بیان دیگر در رویکرد ایجابی با نگاه تأسیسی و کشفی در پی عوامل ظهور خواهیم بود؛ ولی در رویکرد سلبی با نگرش امضایی و تأییدی، وجود عوامل ظهور را به جریان می‌اندازیم.

۴. مؤلفه‌های زمینه‌سازی ظهور

از جمله رسالت مهمی که همه منتظران باید بدان التزام قولی و عملی داشته باشند، زمینه‌سازی برای ظهور است. زمینه‌سازی ظهور مؤلفه‌های گوناگونی دارد که رخ دادن ظهور به آنها وابسته است. بر اساس داده‌های قرآنی و روایی، منتظران باید در راستای تحقق ظهور به اجرای مؤلفه‌های زمینه‌ساز بپردازند و آنها را در میان منتظران و جامعه منتظر اجرا کنند. مؤلفه‌های زمینه‌ساز ظهور تنوع‌ها و اقسامی دارد که به طور کلی می‌توان آنها را در سه حوزه «اندیشه و فکر»، «گرایش و باور» و «کنش و رفتار» تقسیم‌بندی کرد. در حوزه اندیشه، به رشد عقل، عقلانیت و تفکر منتظران توجه شده و در این راستا، باید همه منتظران به امام زمان علیه السلام و اهداف او معرفت کامل داشته باشند. در حوزه گرایش، به باور و ایمان منتظران عنایت شده و در این زمینه، باید منتظران در مسیر تقویت و تحکیم اعتقادورزی به خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان او، به‌ویژه امام زمان علیه السلام حرکت کنند. در حوزه کنش نیز به رفتار و کردار مردم پرداخته می‌شود و مردم باید افزون بر تصحیح اعمال و رفتار خویش، به انجام دادن هنجارهای فردی و اجتماعی و اعمال پسندیده و صالح مبادرت نمایند.^۱ بی‌شک بر اساس داده‌های قرآنی و روایی، آمادگی کامل منتظران زمانی تحقق پیدا می‌کند که مردم در سه حوزه معرفتی، گرایشی و رفتاری با دو رویکرد فردی و اجتماعی به بلوغ کامل برسند. در نمودار ذیل به برخی از مؤلفه‌های زمینه‌ساز ظهور اشاره شده است. البته با تأکید بر مکتب شهید سلیمانی، در این حوزه‌های سه‌گانه، با رویکرد توصیفی و تحلیلی، تنها به حوزه کنش و در میان مؤلفه‌های مختلف تنها به مؤلفه اتحاد و همگرایی پرداخته می‌شود.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْخَرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که به طور حتم آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد» (نور، ۵۵).



۵. جایگاه و اهمیت وحدت در جامعه منتظر

وحدت و همگرایی واژه‌ای مطلق است که با بیان متعلق و مضاف الیه آن، از اطلاق رها شده و دارای معنای مقید و خاص می‌شود؛ زیرا وحدت با مؤلفه‌های گوناگونی همچون وحدت اعتقادی، وحدت فرهنگی، وحدت دینی، وحدت سیاسی، وحدت اجتماعی و... تعریف می‌شود؛ پس یک بار از وحدت، وحدت فرهنگی قصد می‌شود و بار دیگر از وحدت، وحدت اجتماعی اراده می‌شود و دیگر بار مقصود از وحدت، وحدت سیاسی

است؛ همچنین می‌توان وحدت را وحدت دینی یا وحدت نژادی منظور کرد و باز می‌توان وحدت را در غایت و هدف دنبال کرد؛ پس وحدت و همگرایی دارای تنوع‌ها و تکثر فراوانی است و به همین دلیل، باید منظور از وحدت و همگرایی در این نوشتار روشن شود. بی‌شک چنانچه از عنوان مقاله پیداست، مقصود از وحدت و همگرایی در این نوشتار وحدت و همگرایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با تأکید بر انتظار و مکتب شهید سلیمانی می‌باشد؛ پس دو قید در اینجا مطرح است: قید اول، اتحاد و همگرایی را از اطلاق رها می‌کند و قید دوم، اتحاد و همگرایی را به انتظار و مکتب شهید سلیمانی مقید می‌کند؛ یعنی انتظار و مکتب شهید سلیمانی چه بسترها و زمینه‌هایی را برای تحقق اتحاد و همگرایی در میان مردم و زمینه‌سازان ظهور ایجاد می‌کند تا زمینه برای ظهور و آمدن امام زمان علیه السلام فراهم شود.

اتحاد و همگرایی از جمله گرایش‌های فطری انسان است. در طول تاریخ، همه انسان‌ها با همه تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی و نژادی‌شان، بر اساس همین گرایش به دنبال تحقق خوبی‌هایی مانند همدلی و همگرایی و پرهیز از اختلافات و دو دستگی‌ها بوده‌اند و خواهند بود؛ پس اتحاد و همگرایی یک خواسته همگانی و دائمی در زندگی بشر قلمداد می‌شود. بی‌شک در برخی از برهه‌ها نیز به این خواسته توجه بیشتری شده و ضرورت تحقق آن بیشتر احساس شده است؛ برای نمونه در دوران غیبت و انتظار که مردم فقدان و غیبت امام معصوم علیه السلام را تجربه می‌کنند و جامعه از این فقدان در رنج است، نبود امام به عنوان انتظام‌دهنده و قیم، جامعه و مردم را بیشتر در معرض خطر و لغزش قرار می‌دهد.

چنان‌که امیر مؤمنان علی علیه السلام دربارهٔ نقش رهبر در جامعه می‌فرماید: «مَكَانُ الْقِيمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْحَزْرِ يَجْمَعُهُ وَيُضْمُهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَزْرُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّافِيرِهِ أَبَدًا؛ موقعیت زمامدار، همچون ریسمانی است که مهره‌ها را در نظام می‌کشد و آنها را جمع کرده، ارتباط می‌بخشد: اگر ریسمان از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام بجایی خواهند افتاد و سپس هرگز نتوان همه را جمع‌آوری کرد و از نو نظام بخشید» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۴۶).

در دوران غیبت و انتظار، به دلیل فقدان امام عصر و رهبر در میان مردم، فضای خاصی بر جامعه مستولی شده است و جامعه بیشتر در معرض انحراف، کج‌روی، گسست و دوگانگی قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل نیاز به اتحاد و همدلی در این زمان بیشتر احساس می‌شود؛ به طور کلی اتحاد و همگرایی به سبب مطلوبیت ذاتی و فطری بودنش در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدون هیچ محدودیت و مانعی لازم الاجراست و باید مردم و متولیان امر در جهت تحقق آن تلاش مضاعفی کنند. در برخی از برهه‌ها به جهت برخی عوامل اجتماعی، بر ضرورت این امر افزوده می‌شود؛ مثل عصر غیبت و انتظار که به دلیل وجود برخی لغزشگاه‌ها و چالش‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی، لازم است بیشتر به همگرایی و اتحاد تأکید و عمل شود؛ بر این اساس لازم است تا مسلمانان و باورمندان مهدوی در راستای رشد و تعالی جامعه منتظر برای رسیدن به جامعه منتظر بیشتر به اتحاد و همگرایی پایبند باشند و با التزام قوی و عملی بیشتر به تحقق آن در جامعه مبادرت کنند؛ یعنی باید با اقدام فراگیر و همه‌جانبه، اتحاد و همگرایی را از سطح مذاهبی به بین المذهبی و از بین المذهبی به بین‌الدیانی ساری و جاری سازند؛ همان رویه و روشی که شهید سلیمانی در مبارزه با استکبار جهانی و گروه‌های انحرافی مانند داعش در پیش گرفت. او با ایجاد اتحاد و همدلی میان شیعیان در جغرافیا و فرهنگ‌های مختلف و در میان مسلمانان در کشورهای مختلف همچون ایران، عراق، سوریه، یمن، لبنان و... و نیز در میان ادیان ابراهیمی در خاریانه، به ایجاد اتحاد و همدلی میان آنان پرداخت و همه مبارزان و جهادگران را در برابر استکبار و صهیونیسم در صف واحد قرار داد و نتیجه این همگرایی و اتحاد، پیروزی علیه داعش و گروه‌های همسو با آنها شد.

۶. مؤلفه‌های اتحاد و همگرایی

هر مقوله‌ای با سه مؤلفه «علت»، «حکمت» و «غایت» سامان می‌گیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۴۳۱). «علت» آن چیزی است که همیشه وجود فعل دایرمدار وجودش می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۳۳)؛ یعنی با وجود علت، فعل به وجود می‌آید و با نفی آن، فعل نیز منتفی می‌گردد. «حکمت» که از آن به فایده و فلسفه نیز تعبیر می‌شود (جمعی از

نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۶۰۵)، دایرمدار مصالح و مفاسد می‌باشد که وجودش تداعی‌گر فعل است؛ ولی عدمش فقدان فعل را به همراه ندارد. «غایت» که همان هدف فعل می‌باشد، در واقع با علت و حکمت مرتبط است و از طریق آن دو توجیه می‌شود؛ یعنی غایت در واقع همان هدفی است که از دل علت و حکمت بر می‌خیزد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۶۰). مقوله اتحاد و همگرایی نیز با سه مؤلفه فوق تعریف می‌شود و سامان گرفتن آن متفرع بر تحقق سه مؤلفه علت، حکمت و غایت است. علت اتحاد به عوامل ایجادیه اتحاد می‌پردازد و حکمت اتحاد، فایده و فلسفه اتحاد را بیان می‌کند و غایت اتحاد نیز بیانگر مقصود و هدف اتحاد می‌باشد. در ادامه از میان مؤلفه‌های سه گانه فوق، تنها به علل اتحاد و در میان علل اتحاد، تنها به مکتب شهید سلیمانی در راستای زمینه‌سازی ظهور پرداخته می‌شود.

۷. مکتب شهید سلیمانی عامل اتحاد و همگرایی

شهید سلیمانی و مکتب او در میان کشورهای اسلامی در منطقه خاورمیانه به عنوان نماد استکبارستیزی و مقاومت مطرح شده است و همه شیعیان، اهل سنت و پیروان ادیان دیگر همچون مسیحیان، ایزدی‌ها و... از آن الگو گرفته‌اند. مکتب شهید سلیمانی برآمده از راه، روش و سلوک شهید سلیمانی بوده و با «حیات» و «شهادت» او تعریف و توجیه می‌شود. شهید سلیمانی در زمان حیات با برکت خویش در امور سیاسی، نظامی و فرهنگی، نقش تأثیرگذاری داشت و این نقش در زمان شهادت ایشان و شکل‌گیری مکتب شهید سلیمانی، پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر شده است. شهید سلیمانی از منظرهای مختلف دارای نقش‌های گوناگونی بود که لازم است هر کدام از آنها به صورت مستقل و فراگیر تحلیل و بررسی شوند:

۱. نقش شهید سلیمانی در زمان حیات؛

۲. نقش شهید سلیمانی در زمان شهادت؛

۳. نقش مکتب شهید سلیمانی (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۰/۱۱).

هر یک از این سه مقوله، دارای گستره و لایه‌های مختلفی است که برای شناخت

کامل شهید سلیمانی و مکتب او باید به صورت کامل بررسی شوند؛ از جمله نقش‌های مهم شهید سلیمانی که به حیات، شهادت و مکتب او مربوط می‌شود، ایجاد اتحاد و همگرایی در میان مردمان خاورمیانه است. این آورده اجتماعی که نقش مهمی در هدایت بخشی مردم خاورمیانه داشت و بیشتر آنها را در مسیر مبارزه با ستمگری‌های استکبار جهانی قرار می‌دهد، از طریق الگوگیری از سلوک و منش شهید سلیمانی به دست آمده است. مردمان کشورهای خاورمیانه مانند ایران، افغانستان، پاکستان، یمن، عراق، سوریه، لبنان و... در زمان حیات شهید سلیمانی از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی او، و در زمان شهادت با یادآوری خاطرات و مقاومت‌های شهید سلیمانی، با اتحاد و همگرایی در مسیر مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی قرار گرفته‌اند و این مسیر را با وحدت و انسجام بیشتر ادامه خواهند داد.

۸. عوامل اتحاد و همگرایی در مکتب شهید سلیمانی

رخدادن ظهور متفرع بر زمینه‌سازی ظهور و زمینه‌سازی ظهور متفرع بر آمادگی مردم و آمادگی مردم متفرع بر بسترها و عوامل مختلفی است که مهم‌ترین و موثرترین آنها، اتحاد و همگرایی است؛ چنانکه امام زمان علیه السلام در نامه‌ای که برای شیخ مفید نوشته‌اند، به این نکته اشاره کرده‌اند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا «وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَائِهِ» عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يَحْبِسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ؛ به یقین ما شما را بی سرپرست رها نمی‌کنیم و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر غیر از این بود، بر شما رنج و سختی و بلا نازل می‌شد و دشمنان، شما را بیچاره می‌کردند و اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را موفق به اطاعتش نماید - دل‌هایشان با هم و یکی بود، برکت دیدار ما برایشان زودتر حاصل می‌شد؛ پس مانعی از دیدن ما نیست؛ مگر آن چیزی که ما دوست نداریم و به ما می‌رسد» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۰۲).

در این توفیق مبارک، امام زمان علیه السلام یکی از عوامل اصلی محرومیت مردم از ظهور و مشاهده ایشان و نیز دلیل ادامه یافتن غیبت را عدم اتحاد و همگرایی و عدم وحدت و

همدلی مردم می‌داند که این موضوع افزون بر زمینه‌سازی غیبت و رفع زمینه‌های ظهور، موجب ناراحتی و ناخشنودی امام زمان علیه السلام نیز شده است.

در مکتب شهید سلیمانی این عامل، یعنی اتحاد و همگرایی بسیار پررنگ دیده می‌شود. یکی از کارکردهای مهم این مکتب، ایجاد اتحاد و همبستگی در میان قشرهای مختلف مردم منطقه، اعم از شیعه، اهل سنت، مسیحی، ایزدی و... در جغرافیا، نژاد، قومیت و فرهنگ‌های مختلف می‌باشد. مکتب شهید سلیمانی تداعی‌گر دو مقطع زندگی و شهادت سردار است و در هر دو مقطع، شهید سلیمانی کارکردهای مختلفی داشته‌اند و جامعه و مردم خاورمیانه از آنها بهره‌مند شده‌اند؛ مثلاً در زمان حیات و زندگی پر بار این شهید که در جایگاه‌های مختلفی مانند فرماندهی در زمان جنگ و مسئولیت‌پذیری در سپاه قدس و فرماندهی در دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام حضور داشته‌اند، به‌درستی ایفای نقش کرده و به‌درستی در میان قشرهای مختلف مردم و میان رزمندگان اتحاد و همگرایی برقرار کرده‌اند. نماد بارز و مثال‌زدنی این وحدت و همگرایی، وجود رزمندگانی از کشورهای مختلف اسلامی، مانند فاطمیون از افغانستان، زینیون از پاکستان، حیدریون از عراق، علویون از سوریه و حزب الله از لبنان است که همگی تحت فرمان شهید سلیمانی بوده‌اند. همین نقش و کارکرد را ما در زمان شهادت این شهید می‌بینیم که چطور مردم ایران، عراق و کشورهای دیگر به صورت خودجوش به شهادت ایشان واکنش نشان دادند و چگونه با حضور پررنگ و سرنوشت‌ساز خود، اتحاد و همگرایی امت اسلام را به منصف ظهور رساندند. اتحاد و همگرایی در مکتب شهید سلیمانی دارای عواملی است که در ادامه به آنها می‌پردازیم:

۸-۱. صمیمیت و دوستی

نخستین عاملی که سبب تحقق وحدت و اتحاد در میان مردم می‌شود، گسترش مودت و دوستی در میان جامعه است؛ یعنی مهم‌ترین پایه و اساس تحقق وحدت، مهربانی و صمیمیت است؛ پس باید در جامعه به شکلی فرهنگ‌سازی شود تا آحاد مردم به یکدیگر احساس مسئولیت و صمیمیت کنند و همگی در راستای رشد و ترقی

یکدیگر گام بردارند و نیز با عشق و علاقه به زندگی و تعامل در کنار یکدیگر بپردازند و با ناراحتی یکدیگر ناراحت شوند و با خوشحالی ایشان خوشحال گردند. بر اساس داده‌های روایی، دولت مهدی علیه السلام شاخصه فوق را در جامعه مهدوی اجرا خواهد کرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام در پاسخ برید عجلی که می‌گفت یاران ما در کوفه جماعت زیادی هستند و اگر به ایشان امر کنید، از شما اطاعت و پیروی می‌کنند، فرمود: «يَجِيءُ أَحَدَهُمْ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ لَا قَالَ فَهُمْ بِدِمَائِهِمْ أُنْحَلُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ النَّاسَ فِي هَذِهِ نُنَّا كَحُكْمِهِمْ وَ نُورُهُمْ وَ نُعِيمٌ عَلَيْهِمُ الْحُدُودَ وَ نُؤَدِّي أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتْ الْمَرَامَلَةُ وَيَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُ؛ آیا یکی از آنها از کیسه برادرش چیزی را که مورد نیازش هست بر می‌دارد؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس ایشان در بذل خونشان بخیل‌ترند. سپس فرمود: مردم در حال آتش‌بست هستند [تا شرایط صلح تحقق یابد]، با هم ازدواج می‌کنیم، از هم ارث می‌بریم و بر ایشان حدود اقامه می‌کنیم و امانات ایشان را بر می‌گردانیم تا زمانی که قائم ما قیام کند تا رفاقت به وجود آید و مرد از کیسه برادرش نیاز خود را بردارد و او مانع نشود» (مفید، ۱۴۱۳ «الف»، ص ۲۴).

همچنین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... مِنَّا يَحْتَمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَ بِنَا يَنْقُدُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا أَنْقَدُوا مِنَ الشُّرُوكِ وَ بِنَا يُوَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِئْتَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرُوكِ وَ بِنَا يَضْبِحُونَ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِئْتَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَضْبَحُوا بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرُوكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ؛ او از ماست. خداوند دین خود را به وسیله او ختم کند؛ چنان که به وسیله ما گشود. مردم به وسیله ما از آشوب‌ها نجات یابند، چنان که به وسیله ما از شرک و بت‌پرستی رهایی یافتند و همچنین خداوند به وسیله ما دل‌های آنها را بعد از دشمنی‌ها و آشوب‌گری‌ها با هم پیوند دهد؛ چنان که به وسیله ما دل‌های آنها را پس از عداوت آلوده‌به‌شرک پیوند داد و آنها را با هم برادر دینی کرد» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۳).

در مکتب سلیمانی که برآمده از حیات و شهادت سلیمانی است، صمیمیت و دوستی و احساس مسئولیت و همدردی بسیار پررنگ و قوی دیده می‌شود و نشانه‌های بارز آن را می‌توان در میان رزمندگان و مدافعان حرم مشاهده کرد که شهید سلیمانی به عنوان

فرمانده بزرگ این نبرد با عشق و ورزی تمام به همه رزمندگان اسلام اعم از رزمندگان دفاع مقدس و مدافعان حرم، تعامل سازنده و مناسبی با آنها برقرار کرده بود و الگوی شایسته‌ای برای آنها شده بود. این امر زمینه صمیمیت و عشق و ورزی را در میان آنها نهادینه کرده است. امروزه نقش محبوبیت شهید سلیمانی در جامعه و در میان مردم به خوبی قابل مشاهده است؛ بر اساس مشاهدات میدانی، علاقه‌مندی شهید سلیمانی به مردم و نیز علاقه‌مندی مردم به ایشان و همچنین دغدغه‌مندی ایشان در رفع مشکلات و نیازمندی آنها به‌عیان قابل رصد است و نمونه بارز این علاقه‌مندی مردم به ایشان، در حرکت خودجوش مردم در روز تشیع پیکر پاک این شهید به نمایش گذاشته شد.

۲-۸. عدالت و مساوات

یکی از چیزهای که مردم یک جامعه را رنج می‌دهد و همیشه سبب اختلاف و فتنه در میان آنها می‌شود، نبود عدالت و مساوات در جامعه است. هرچه این بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه بیشتر باشد، اختلاف‌ها و دو دستگی‌ها در میان مردم نیز بیشتر خواهد بود؛ بنابراین یکی از پایه‌های اساسی در جهت تحقق اتحاد و وحدت در جامعه، اجرای عدالت و برابری می‌باشد؛ از همین رو در میان اهداف مقدس نظام جهانی مهدوی، شاخصه عدالت جایگاه مهم‌تری دارد و بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است؛ پس در جامعه مهدوی با اجرایی شدن عدالت و برابری در همه سطوح جامعه، بسترهای اختلاف و دو دستگی‌ها از بین رفته و جای آن را همدلی و همبستگی پر خواهد کرد؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَةِ؛ هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کند، به طور مساوی قسمت می‌کند و در میان رعیت با داد رفتار می‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۷).

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ اِزْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرَ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ؛ هر گاه قائم ظهور کند، عدل را در میان مردم برقرار می‌سازد و جور و ستم در زمان او برطرف می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد. در زمان او زمین برکاتش را بیرون می‌کند و قائم هر حقی

را به اهلش برمی‌گرداند» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق «ب»، ج ۲، ص ۳۸۴).

عدالت و مساوات از منظر دو جستار «مکتب شهید سلیمانی» و «حیات سردار» بررسی می‌گردد؛ یعنی در میان سه جستار شهادت سردار، حیات سردار و مکتب سردار، بحث عدالت و مساوات تنها به دو جستار اخیر ارتباط می‌یابد. در نظام اخلاقی سردار و تعاملات اجتماعی او، به‌نوعی شاخصه‌هایی بیان می‌شود که هر کدام نشانگر عدالت‌خواهی و مساوات‌طلبی سردار سلیمانی است؛ مثلاً وقتی که در معرکه و مقابله با دشمن قرار می‌گیرد، تنها به فکر صیانت از خودش نیست؛ بلکه با رعایت عدالت به فکر حفاظت و صیانت از رزمندگان نیز هست؛ بر این اساس سردار سلیمانی در معرکه‌های سخت با جان‌فشانی و شجاعت تمام جلوتر از همه حرکت می‌کند و بسان همه رزمندگان با حضور در خط مقدم جنگ، شاخصه مساوات‌خواهی و عدالت‌طلبی را به منصفه ظهور می‌رساند.

۸-۳. احترام به دیدگاه مخالف

از جمله شاخصه‌های مهمی که زمینه‌ساز اتحاد و همگرایی در جامعه می‌شود، تحمل مخالفان و احترام گذاشتن به دیدگاه‌های آنهاست. در جامعه اسلامی ایران که جامعه‌ای آزاد می‌باشد و بر اساس مردم‌سالاری دینی اداره می‌شود، به‌نوعی همه مردم در سرنوشت آن تأثیر گذارند. این جامعه متشکل از نگرش‌های مختلف فرهنگی و اعتقادی و مذهبی است و بر اساس همین تفاوت‌ها، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در آن بروز و ظهور پیدا می‌کند. زمانی می‌توان در چنین جامعه‌ای میان مردم همدلی و اتحاد برقرار کرد و جامعه را به سوی تکامل و تعالی پیش برد که به سلیقه‌ها و اندیشه‌های همه مردم اعم از موافق و مخالف توجه یکسانی کرد و با احترام و تکریم با آنها برخورد نمود؛ چنان‌که بر اساس احادیث معصومین علیهم‌السلام این سنت و روش در عصر ظهور در دولت مهدوی اجرایی شده و مردم به طور مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی همراه با رفاه و آسایش را تجربه می‌کنند.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُهَدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ

وَيَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَةَ وَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ؛ مهدی را مهدی نامیده‌اند؛ به خاطر آنکه به یک امر پنهان راهنمایی می‌کند و تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل با انجیل و میان اهل زبور با زبور و میان اهل قرآن با قرآن حکم می‌کند» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۷).

چنان‌که بیان شد، مکتب شهید سلیمانی دارای شاخصه‌های مهم فردی و اجتماعی است که مخالف‌پذیری و احترام به دیدگاه مخالفان از جمله آنهاست که در جای‌جای زندگی شهید سلیمانی به‌عیان قابل‌نشانه‌گذاری است؛ برای مثال در میان رزمندگان تحت امر سردار، سربازانی از کشورها و ملیت‌های مختلفی مانند ایران، عراق، پاکستان، افغانستان، سوریه و لبنان، با مذاهب و فرهنگ‌های گوناگونی مانند شیعه، اهل سنت، مسیحی و ایزدی نقش ایفا می‌کنند و همگی با هدایت‌گری و فرماندهی سردار سلیمانی با هدف واحدی به نام استکبارستیزی و با کاربست راهکار واحدی به نام مقاومت و استقامت‌ورزی با دشمنان اسلام مبارزه می‌کنند و اینها همه بر تحقق ایده چندصدایی و دموکراسی در میان همراهان سردار سلیمانی دلالت دارد؛ بنابراین اگر در جامعه زمینه‌ساز ظهور در پی اتحاد و همدلی در میان مردم هستیم، باید بسترهای آن همچون صمیمیت و موّدت، برادری و دوستی، عدالت و مساوات، نزدیکی دل‌های مردم به یکدیگر، احترام به دیدگاه مخالف و ... در جامعه منتظران نهادینه شود که نتیجه آن جز اتحاد، همدلی، همبستگی، همگرایی، پیوستگی و ... نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

رخداد ظهور منجی به زمینه‌سازی نیاز دارد و زمینه‌سازی ظهور مؤلفه‌هایی همچون اصلاح و اصلاح‌گری، امید و امیدواری، ولایت‌پذیری و ولایت‌دوستی، اتحاد و همگرایی و ... دارد که با شکل‌گیری آنها آمادگی مردم حاصل می‌شود و با حصول آمادگی در مردم زمینه‌سازی ظهور تحقق پیدا می‌کند که این فرایند در نهایت به برابندی

چون ظهور می‌انجامد. سردار سلیمانی و شهید سلیمانی که بیانگر دو مقطع از حیات و ملمات پربرکت آن بزرگوار بوده است، خاستگاه مکتبی به نام مکتب شهید سلیمانی است؛ همان مکتبی که برآمده از مکتب امامین انقلاب بوده و از آن دو نشئت گرفته است. اتحاد و همگرایی که از جمله مؤلفه‌های اساسی زمینه‌سازی ظهور است، در سه جستار «حیات سردار سلیمانی»، «شهادت سردار سلیمانی» و «مکتب شهید سلیمانی» به‌خوبی قابل ردیابی است و دارای عواملی مانند صمیمیت و مهرورزی، مساوات و عدالت‌خواهی، مساعدت و همراهی، همسانی در هدف (مبارزه با استکبار)، همسانی در راهکار (مقاومت و تاب‌آوری) و... است. نمونه بارز و عینی اتحاد و همگرایی را می‌توان در حیات سردار سلیمانی دید که با دغدغه‌مندی تمام و با عشق و علاقه وافر به امور رزمندگان دفاع مقدس و مدافعان حرم پرداخته و میان رزمندگان از کشورهای مختلف وحدت و همگرایی برقرار کرده بود. نمونه دیگر آن را در زمان شهادت آن سردار و در مراسم تشییع جنازه ایشان می‌توان دید که مردم با حضور فراگیر و همگانی خود از قشرها و طبقات مختلف جامعه با نگرش‌ها و سلیق گوناگون سیاسی و اجتماعی بار دیگر اتحاد و همگرایی امت اسلام را به رخ جهانیان کشیدند که البته این وحدت و همگرایی در آینده نیز از طریق مکتب شهید سلیمانی دست‌یافتنی است؛ پس با رویکرد گذشته‌پژوهی، حیات و شهادت شهید سلیمانی، وحدت‌بخش و اتحادآفرین بوده و با رویکرد آینده‌پژوهی مکتب شهید سلیمانی این نقش را ایفا خواهد کرد. بر این اساس، بایسته و شایسته است که مکتب شهید سلیمانی که دارای کارکردها و فایده‌های بسیاری برای مردم ایران، خاورمیانه و جهان است، در کشورهای ایران و خاورمیانه و در جوامع جهانی به عنوان یک فرهنگ مؤثر، روزآمد و کارآمد، اجرایی و نهادینه شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. اربلی، علی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه. تبریز: بنی هاشمی.
۲. الهی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۸). مردم و زمینه‌سازی ظهور. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.
۴. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۷۹). خیر الاثر در رد جبر و قدر (چاپ چهارم). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). خطبه‌های نماز جمعه تهران، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/r78087>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۱۰/۱۱). بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، <https://b2n.ir/n94536>
۸. راوندی، قطب. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۹. سیاح، احمد. (۱۴۱۰ق). المنجد. قم: اسماعیلیان.
۱۰. ضیائی‌فر، سعید. (۱۳۸۶). درنگی در اصطلاح مکتب فقهی. مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۵۳، صص ۱۶۵-۱۷۵.
۱۱. طلوعی، محمود. (۱۳۸۵). فرهنگ جامع سیاسی. تهران: علم.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۵). ایضاح الکفایه (چاپ پنجم). قم: نوح.
۱۳. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۳). قواعد فقه (چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار (ج ۲). تهران: صدرا.
۱۵. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰ق). اصول الفقه (چاپ پنجم). قم: جامعه مدرسین.
۱۶. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۷۵م). علم اصول الفقه. بیروت: دارالعلم للملایین.

۱۷. مفید، محمد. (الف). (۱۴۱۳ق). اختصاص. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۱۸. مفید، محمد. (ب). (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

References

- * The Holy Qur'an
 - * Nahj al-Balaghah
1. A group of authors. (1389 AP). *Dictionary of the principles of jurisprudence*. Qom: Islamic Information and Documentation Center of the Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
 2. Arbeli, A. (1381 AH). *Kashf al-Qameh*. Tabriz: Bani Hashemi. [In Arabic]
 3. Biro, A. (1375 AP). *Dictionary of Social Sciences*. (Sarukhani, B. Trans.). Tehran: Keyhan Publications. [In Persian]
 4. Elahinejad, H. (1398 AP). *People and the context of Reappearance of Imam Mahdi*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
 5. Fazel Lankarani, M. (1385 AP). *Izah al-Kifayah*. (5th ed.). Qom: Nouh. [In Persian]
 6. Hassanzadeh Amoli, H. (1379 AP). *Good effect in rejecting algebra and predestination*. (4th ed.). Qom: Islamic Propaganda Office Publications. [In Persian]
 7. Khamenei, S. A. (11/10/1400 AP). *Statements in the meeting between the family and the anniversary headquarters of General Haj Qassem Soleimani*. From: Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, <https://b2n.ir/n94536>. [In Persian]
 8. Khamenei, S. A. (27/10/1398 AP). *Tehran Friday Prayer Sermons*. From: Information Website of the Office for the Preservation and Publication of Ayatollah Khamenei's Works, <https://b2n.ir/r78087>. [In Persian]
 9. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
 10. Mofid, M. (a). (1413 AH). *Ikhtisas*. Qom: Al-Mu'tamar al-Alami le al-Fiyah al-Sheikh Al-Mufid. [In Arabic]
 11. Mofid, M. (B). (1413 AH). *Al-Irshad*. Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]

12. Mohaghegh Damad, M. (1383 AP). *Rules of Jurisprudence* (12th ed.). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [In Persian]
13. Motahari, M. (1385 AP). *Collection of works*. (Vol. 2). Tehran: Sadra. [In Persian]
14. Mughniyeh, M. J. (1975). *The science of the principles of jurisprudence*. Beirut: Dar Al-Ilm le al-Malaeen.
15. Muzaffar, M. R. (1430 AH). *Principles of Jurisprudence*. (5th ed.). Qom: Teachers Association. [In Arabic]
16. Numani, M. (1397 AP). *Numani Occultation*. Tehran: Sadough Publications. [In Persian]
17. Ravandi, Q. (1409 AH). *Al-Khara'ij va al-Jara'eh*. Qom: Imam Mahdi School. [In Arabic]
18. Sayyah, A. (1410 AH). *Al-Munjad*. Qom: Esmailian. [In Arabic]
19. Tolouei, M. (1385 AP). *Comprehensive Dictionary of political culture*. Tehran: Ilm. [In Persian]
20. Ziaiefar, S. (1386 AP). Delay in the term of the school of jurisprudence. *Journal of New Exploration in Islamic Jurisprudence*, 53, pp. 165-175. [In Persian]